مسئولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

غرزی لایق

۲۰۲۱/۰۹/۰۹

تب لرزه‌های پسا«مقاومت»

«مقاومت» در پنجشیر درهم‌شکست، «مقاومتی‌ها» به هر سمت وسو پراگنده شدند و داعیه‌ی تجزیه‌ی افغانستان که پندار بنیادین این نافرمانی را می‌ساخت، از اجندای لحظه‌ی کنونی، گویا به عقب انداخته شد. اندیشه پردازان تجزیه، به ویژه آنانی که در دامن «پرچمیزم» و «کارملیزم» و «سکتاریزم» پرورش یافتند، نیت جدایی «پشتون» و «غیر پشتون» را با خطکشی «افغان» و «غیر افغان» و پایان هستار افغانستان به مثابه‌ی کشور «افغان‌ها»، آراستند. بی‌گمان، نخستین خشت‌های ناپخته‌ی سنگ‌بنای جدایی و تجزیه‌ی افغانستان در «کنگره مؤسس» حزب دموکراتیک خلق گذاشته شد، با انشعاب میان «خلقی» و «پرچمی» آرایش تازه یافت، حاکمیت چهارده ساله‌ی همان حزب آن را با درون‌مایه‌ی نو غنی نمود و در روزگار ما، کارملبندگان وردهای گندیده‌ی پیشوا را در خوانش‌های تازه‌تر و بکرتر، در همسویی با «جمعیتی‌ها» و «جهادی‌ها» گردان می‌کنند .

نه‌باید دودل بود که «مقاومتِ» زودگذر در پنجشیر شیره‌ی تمام تپنده‌گی‌های افغان‌دشمنانه‌یی بود که طی پنج دهه‌ی اخیر در جامه‌ی شهری‌گری کاذب، روشن‌گری فریبنده، فرهنگ‌مآبی بی‌مایه، فارسی‌پروری دروغین، غربی‌زده‌گی کودکانه، رفیق‌مشربی آلوده، پشتون‌ستیزی موزیانه، زیر پوشش دروغین همزیستی برادرانه‌ی تبارها، انترناسیونالیزم پرولتاری و برادری جهانی اسلامی در بطن احزاب «چپ» سیاسی و تنظیم‌های «جهادی» یکی پی دیگری به پخته‌گی و کمال رسانده شده بود. «مقاومت» در پنجشیر اما، باید آرزوهای نافرجام زیاده‌خواهی را برآورده می‌ساخت و راه به سوی تجزیه را سهولت می‌بخشید .

بی‌گمان، با شکست «مقاومت» در پنجشیر جنگ به هدف تجزیه‌ی افغانستان به پایان نه‌رسیده، شیوه‌ها، شعارها و ترفنده‌ها به هدف ناتوان‌سازی افغانستان اما، نوتر و محیلانه‌تر وارد گفت‌گوها میان افغان‌ها می‌گردد. پس از پراگنده شدن و ناپدیدشدن چنبره‌ی رهبری «مقاومت» در پنجشیر، یتم بچه‌های کارملی تیزس‌های پرحیله‌ی پیشوا را در پرداز نو ملمع‌کاری نموده، و فتوا صادر نموده اند که:

«پیروزی بر طالبان صرف با یک بدیل ممکن است و آن تمسک به فرهنگ، زبان و تمدن فارسی و بسیج همه فارسی زبانان بدون تعلقیت مذهبی آنها در زیر یک چتر بزرگ می باشد.»

که:

«مدافعان این فرهنگ و زبان هیچگاه با طالبان که از دیروز فرهنگ پشتونی ـ عربی را مسلط ساختند جمع شدنی نبوده و در آینده نیز نیستند.»

که:

«بدیل از مسیر جدایی فرهنگی و زبانی و جغرافیای می گذرد.»

که:

«شعار جدایی باید، آرام ـ آرام، به موضوع مبارزه آینده مبدل شود.»

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

سازه‌ی اصلی زایش چنین فرضیه‌ها گویای فقر و بیگانه‌گی مدهش آدم‌هایی همین قماش را از سیر رشد تاریخی این سرزمین، گه‌شماری عبرت‌ناک آن، هستار و فرهنگ بومی باشنده‌گان آن، قربانی‌ها و جان‌بازی‌های مشترک تیره‌ها و تبارها و عشق سرشارشان برای همزیستی برادرانه خبررسانی می‌کند. این‌ها، چنان‌که دیروز راستینه‌گی‌های زنده‌گی را از دریچه‌ی اندیشه‌های عاریتی به غلط دیدند، امروز نیز، سوار بر توسن سهش‌های فردی و حسادت‌های کهتری، خطا می‌کنند و باز به بیراهه میرانند. چنین چهره‌ها، مانند پیشینیان خویش، تاریخ این بوم‌گاه را همیشه سرچپه خوانده و به چنین شیوه مصاب ابدی اند.

سودمند است تا چنین فراخوان‌های زهری را از چنبره‌ی دید دور نه‌داشت و با حلاجی فن‌شناسانه و مسئولانه، بیهوده‌گی، هرزه‌گی و افتاده‌گی چنین اندیشه‌ها و دماغ‌های خشکیده‌ی که در پناه شیوع ادبیات جدایی و تجزیه، حقارت تاریخی سلاله‌های «مهمان» را در سرزمین افغان‌ها پنهان می‌کنند، رسوا ساخت.

افغانستان، بیگمان، چه با طالب و چه بی طالب، غیر قابل تجزیه و یگانه باقی می‌ماند!

هالند
۹ سپتامبر سال ۲۰۲۱

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ